

نقد عکس آن روز او را در باغچه کاشتند بهمن ۱۳۴۵ یحیی دهقانپور براساس دیدگاه پساساختارگرایی

قطع کتاب خشتی است و عکس ها دارای کادری سیاه می باشد، بعضی از عکس ها به صورت پانوراما کل دو صفحه روبرو را پوشش داده است. این کتاب دارای ۵۶ فریم عکس که تعداد سه فریم از آنها پانوراما هستند. عکس ها به صورت سیاه و سفید روی کاغذ گلاسه چاپ شده اند. این آثار قبلاً در نمایشگاه ابریشم تهران به نمایش گذاشته شده است. در این مجموعه سیر عکاسی از مراسم تشییع و تدفین فروغ فرخزاد (شاعر معاصر) در سال 1345 از پزشکی قانونی در کاخ دادگستری شروع و تا امامزاده اسماعیل قلهک جایی که جسد را در آنجا غسل داده و نهایتاً در ضهیرالدوله پیکرش به خاک سپرده شده، انجام گردیده است.

تورق کتاب راحت است. عنوان کتاب با موضوع عکس ها کاملاً تطابق دارد. استیتمنت عکسهای یحیی دهقانپور توسط مهران مهاجر در یک صفحه نوشته شده و در صفحه روبه روی آن، متن به زبان انگلیسی ترجمه شده است. مهران مهاجر بعد از مقدمه ای کوتاه در مورد شخصیت فروغ فرخزاد و ارتباط عکاسی با مرگ، در مورد روش عکاسی یحیی دهقان پور عنوان کرده که روش عکاسی ایشان همیشه همراه با طنز بوده ولی این نگاه در این مجموعه برکنار رانده است.

نکته ای که خیلی توجه مرا به خود جلب کرده است، کتابچه ای از جنس مقوای اشتنباخ در قطع کوچک تر به صورت طومار همراه کتاب است و تمام عکس های کتاب به صورت پانورامایی طولانی کنار هم در آن چاپ شده اند و اسامی شخصیت های حاضر در عکس ها به صورت دست نویس با فلش خارج از کادر نوشته شده اند تا جوانان، شخصیت های مهم این دوران را بشناسند. ارزش این عکس ها به خاطر تاریخی بودن آنهاست و در نبود این مجموعه، امکان مشاهده شخصیت های ادبی و فرهنگی کشور در مقطع زمانی و مکانی واحد نیست که خود ممکن است برای محققان و حتی عموم مردم جالب توجه و مفید باشد.

بیشتر عکس ها کاملاً محو و فلو هستند. عکس ها در سه بخش از پزشکی قانونی تا غسلخانه و نهایتاً خاکسپاری سیری زمان مند دارند و در صورت جابجایی تصاویر در هر کدام از بخش ها، ترتیب و روال آنها به هم نمی خورد ولی اگر عکسی از بخش خاکسپاری به پزشکی قانونی جابجا شود ترتیب و توالی عکسها از بین می رود. تعداد عکس ها با توجه به موضوع زیادند شاید تعدادی از عکس ها از آلبوم حذف می شدند لطمه ای به آن وارد نمی شد. اولین عکس از این مجموعه تصویری از خودروی استیشن سفید قدیمی به صورت پانوراما یی فلو و گرین دار است که دو صفحه را پوشش داده، با دیدن این عکس، اشتیاق بیننده برای دیدن سایر عکسها بیشتر می شود.

عنوان های هر فصل از این کتاب به صورت دست نویس آمده است که جذابیت موضوع بیشتر شده است. بعد از دیدن این عکس های شلوغ و پر از جمعیت، تعدادی صفحات سفید در لابلای عکس ها قرار داده شده که کاملاً به جاست به بیننده فرصت تنفس می دهد ولی تکرار این صفحات خالی در بعضی جاها زیاد شده است اگر بخاطر اطلاعات و شناسایی شخصیت ها، عکسهای فلو آورده شده باشد، اصلاً به این موضوع کمکی نشده چون اشخاص به علت تاری عکسها قابل تشخیص نیستند.

این عکس ها را در هر جای دیگری می توان دید مانند مراسم اعدام شخصی در آلمان توسط نازی ها و آن حس ترحم و کنجکاوی برای مشخص شدن سرنوشت زندگی یک فرد، یا صحنه های تظاهرات سال ۵۷ که مردم از زن و مرد و بچه به خیابان ها ریخته اند. چرا باید به خود بقبولانیم که اینطور نیست. به آدمهای حاضر در عکسها که نگاه می کنی احساس غم و اندوه کمتر در چهره آنها دیده می شود و حتی بعضی از آنها فرصت چاق کردن سیگار یا خوش و بش کردن با هم نیز داشته اند. چطور می توان باور کرد این تجمع برای خاکسپاری شخصیت مهم ادبی باشد.

جنازه افتاده روی زمین و بدن هایی که تا نصفه در کار هستند و دستهایی که در جیب استتار شده اند، مشت هایی که گره شده اند همه ی اینها می خواهند بگویند دیگر کاری از دست کسی بر نمی آید، تو دیگر جایی در این کره خاکی نداری و زندگی اینجا به پایان رسیده است. اینجا مردی یا زنی قرار است به خاک سپرده شود که شاید در این تظاهرات کشته شده یا شاید او را به قتل رساندند حتماً برخلاف جریان این رژیم قدم برداشته و خودش را به این روز انداخته. برخلاف کادر مربع که احساس آرامش و سکون را به ما می دهد و می خواهد بگوید اتفاق مهمی رخ نداده است ولی نه این چنین نیست، تصاویر از سرگشتگی و آشفتگی زیادی برخوردارند و با نشان دادن بیش از حد دو سوم زمین این حس را در ما تشدید می کند که قرار است کسی که از خاک زاده شده حالا باید دوباره به همان خاک برگردد.